فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی (دوره جدید)

شماره ۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر اساس سبک فرزندپروری ادراک‌شده در زنان دارای مشکلات خانوادگی

منیر سادات میرهاشم[۱]

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر اساس سبک فرزندپروری ادراک‌شده در زنان دارای مشکلات خانوادگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل دارای مشکلات خانوادگی می‌باشد که در سال ۱۴۰۳ به کلینیک‌های روانشناسی شهر تهران مراجعه کرده‌اند. از میان این افراد، ۲۷۰ نفر به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، پس از ریزش پرسشنامه‌ها، تعداد نمونه‌ی باقیمانده ۲۵۶ نفر بود. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه‌یانگ–فرم کوتاه (۱۹۹۸)، و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بوری (۱۹۹۱) که از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند، استفاده شد. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS-16 و SmartPLS.V3 بهره برده شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان دارای مشکلات خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از آن بود که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه رابطه وجود دارد. بدین معنا که سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده توان پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان دارای مشکلات خانوادگی را دارد. نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه بیشترین قدرت پیش‌بینی را برای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بالأخص حوزه‌ی بریدگی و طرد دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، بریدگی و طرد

[۱] کارشناسی ارشد مشاور خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

مقدمه

طرح‌واره‌ها به‌عنوان بازنمایی‌های سازمان‌یافته از تجربیات دوران اولیه زندگی توصیف‌شده‌اند که بر ادراک[1]، رفتارها و افکار[2] افراد تأثیر بسزایی دارند. در میان طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه موضوعاتی آسیب‌رسان گسترده، فراگیر و معنادار در مورد خودمان و روابطمان با دیگران هستند که در طول سال‌های اولیه کودکی شکل می‌گیرند (استیوز[3] و همکاران، ۲۰۱۹). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه[4]، ساختارهای روانی بنیادی و پایداری محسوب می‌شود که چیزی فراتر از ویژگی‌های شناختی صرف در ذهن و شامل هیجانات، احساسات جسمانی، تصاویر و خاطرات هستند (توما و مک‌کی[5]، ۲۰۱٤) که در آغاز رشد و تحول در ذهن فرد شکل‌گرفته و در مسیر زندگی تکرار می‌شوند (قاسمی و الهی، ۱۳۹۸). درواقع طرح‌واره به‌عنوان یک چارچوب سازمانی تعریف می‌شود که از طریق آن افراد احساساتشان درباره زندگی را می‌سازند. طرح‌واره‌ها مانند عدسی در زندگی شخصی افراد عمل می‌کنند و روش‌هایی را که افراد از طریق آن تجارب را تفسیر می‌کنند سازمان‌دهی می‌کنند (باچ[6] و همکاران، ۲۰۱۸). فعال بودن طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در افراد موجب می‌شود تا افراد در هنگام مواجهه با شرایط فشارزای زندگی به شکل تکانشی به رخدادها واکنش نشان دهند (دولت‌خواه، ۱۳۹۹). عواملی که مرتبط با خانواده است طبیعتاً می‌تواند از عوامل مهم در این موضوع باشد (نصیر زاده، ۱٤۰۱). نوع برخورد والدین در قالب رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به‌منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می‌برند، سبک‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند (لی[7] و همکاران، ۲۰۱۸). درواقع سبک‌های فرزندپروری دربرگیرنده‌ی نحوه‌ی تعامل والدین با فرزندان بوده که از طریق مجموعه‌ای از گرایش‌ها، رفتارها و زمینه‌های غیرکلامی قابل‌تشخیص است (دارلینگ و استینبرگ[8]، ۲۰۱۷). چهار شیوه‌ی فرزندپروری وجود دارد: شیوه استبدادی که ازنظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، ازنظر کنترل اجباری بالا و بسیار محدودکننده است (یانگ و ژائو[9]، ۲۰۲۰)؛ شیوه مقتدرانه که کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود و والدین در این شیوه، صمیمی، دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند و شیوه‌ی سهل‌انگارانه که مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند؛ و شیوه‌ی بی‌اعتنا که پذیرش و روابط خوب کم را با کنترل کم و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن ترکیب می‌کند. والدین در این شیوه ازلحاظ هیجانی، کناره‌گیر و جدا هستند (مافتی[10] و همکاران، ۲۰۲۰). شیوه‌های نوین فرزندپروری بر پایه‌ی اصول برابری و احترام متقابل استوار است. منظور از برابری کودک و بزرگ‌سال ارزش انسانی و شأن آن‌هاست و لازمه‌ی این برابری و درک ارزش انسانی کودک این است که والدین با بهره‌گیری از شیوه‌های منطقی و مسئولانه فرزندپروری به کودک خود اطمینان دهند که دارای ارزش و شأن انسانی است (شعبانی و مویدی، ۱۳۹۵). تعامل نامطلوب والد با فرزند، احساسات منفی همچون ناکامی و خشم و ناامیدی را برانگیخته و تکرار رفتار ناسازگارانه فرد را در این چرخه معیوب به دنبال دارد (صابری‌راد و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به اینکه پژوهش‌هایی که درزمینه ی ایجاد طرح‌واره انجام‌شده است، نشان می‌دهد که طرح‌واره‌ها بیشتر از اینکه نتیجه‌ی وقایع تکان‌دهنده باشند، احتمالاً با الگوهای مداوم و تجربه رسمی روزمره با اعضای خانواده ایجاد می‌شوند و از مهم‌ترین این الگوهای مداوم و مؤثر، می‌توان به سبک‌های فرزندپروری اشاره کرد (رضائیان بیلندی و همکاران، ۱۳۹٦)، ازآنجاکه پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون کمتر به

1 Perceptions
2 Thoughts
3 Estévez
4 Early Maladaptive Schemas
5 Thoma & Mckay
6 Bach
7 Lei
8 Darling & Steinberg
9 Yang & Zhao
10 Maftei

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

ادراک سبک‌های فرزندپروری و تأثیر آن بر پیش‌بینی طرح‌واره‌ها پرداخته، ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی آن‌هم در جامعه‌ی آماری این پژوهش که کمتر موردتوجه بوده است، ضروری به نظر می‌رسد، لذا هدف از پژوهش حاضر، تعیین ارتباط سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان دارای مشکلات خانوادگی می‌باشد.

روش‌شناسی

این پژوهش ازنظر هدف، کاربردی؛ ازنظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل دارای مشکلات خانوادگی که در سال ۱۴۰۳ به کلینیک‌های روانشناسی شهر تهران مراجعه کرده‌اند تشکیل می‌دهد. طبق نظر کلاین (۲۰۰۵) تعداد گویه‌های ابزار مورداستفاده در پژوهش در ۲/۵ و ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر حجم نمونه تعیین شود. با توجه به اینکه مجموعه گویه‌های مقیاس‌های پژوهش حاضر ۱۰۵ گویه است، بنابراین حجم نمونه می‌تواند بین ۲۶۳ تا ۵۲۵ نفر باشد که در این پژوهش تعداد اعضای نمونه ۲۷۰ در نظر گرفته‌شده است که نهایتاً با ریزش پرسشنامه‌ها ۲۵۶ پرسشنامه باقی ماند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه‌یانگ-فرم کوتاه (۱۹۹۸) و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بوری (۱۹۹۱) بود.

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه‌یانگ-فرم کوتاه (۱۹۹۸): نسخه اصلی پرسشنامه طرح‌واره‌ها (YSQ) توسط یانگ (۱۹۹٤) برای اندازه‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ساخته‌شده است و شامل ۷۵ سؤال است. همچنین شکل کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌ها (YSQ-SF) برای اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه‌یانگ (۱۹۹۸) بر اساس فرم اصلی تهیه‌شده است. اگر فردی به دو گزینه از هر پنج گزینه خرده مقیاس‌ها نمره پنج یا شش دهد بدان معناست که آن طرح‌واره یا خرده مقیاس را دارد. اولین پژوهش جامع راجع به ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه توسط اسمیت جوینر یانگ و تلچ (۱۹۹۵)، به نقل از یانگ و همکاران انجام شد نتایج نشان داد که اعتبار این مقیاس به‌وسیله آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹٦ بود و برای خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰دست آمد و ضریب آزمون باز آزمون در جمعیت غیر بالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود یانگ روایی سازه فرم کوتاه را با استفاده از تحلیل رگرسیون و همبستگی بین خرده مقیاس‌های SQ-SF و خرده مقیاس SCL-۲۵- در سطح ۰/۹۵ معنادار بودند یعنی این پرسشنامه دارای روایی و سازه بالایی می‌باشد پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ برای همه طرح‌واره‌ها از ۰/٦۷تا ۰/۳۹ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی نیز از ساختار درونی پرسشنامه حمایت می‌کند. خصوصیات روان‌سنجی این پرسشنامه در نمونه‌ی ایرانی ۰/۹۱ گزارش‌شده است (یوسفی و شیربیگی، ۲۰۱۰). میزان آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش علی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) نیز ۰/۹۵ برای کل پرسشنامه به دست آمد.

جدول ۱: مشخصات پرسشنامه‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه‌یانگ

حوزه‌ها	متغیرها	سؤالات	آلفای کرونباخ
بریدگی و طرد	محرومیت هیجانی	۱ تا ۵	بین ۰/٦۱ تا ۰/۹۵
	رهاشدگی بی‌ثباتی	٦ تا ۱۰	
	بی‌اعتمادی/ بی رفتاری	۱۱ تا ۱۵	
	انزوای اجتماعی/بیگانگی	۱٦ تا ۲۰	
	نقص/شرم	۲۱ تا ۲۵	
خودگردانی و عملکرد مختل	شکست	۲٦ تا ۳۰	
	وابستگی/ بی‌کفایتی	۳۱ تا ۳۵	

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

	آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری	۳۶ تا ۴۰
	گرفتار/خویشتن تحول نیافته	۴۱ تا ۴۵
دیگرجهت‌مندی	اطاعت	۴۶ تا ۵۰
	ایثارگری	۵۱ تا ۵۵
گوش به زندگی بیش‌ازحد	بازداری هیجانی	۵۶ تا ۶۰
	معیارهای سخت گیرانه	۶۱ تا ۶۵
محدودیت‌های مختل	استحقاق/بزرگ‌منشی	۶۶ تا ۷۰
	خویشتن‌داری/ خود انضباطی ناکافی	**۷۱ تا ۷۵**

پرسشنامه سبک فرزندپروری ادراک‌شده بوری (۱۹۹۱): این ابزار اقتباسی است ازنظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند[1] و توسط بوری[2]، از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین به‌منظور بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته‌شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده‌ی آن به شیوه آزاد گذاری مطلق (سهل‌گیرانه)، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. بوری (۱۹۹۱) در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر در رابطه معکوس با آزاد گذاری ۰/۵۰ و اقتدار ۰/۵۲ منطقی او دارد. این پرسشنامه در ایران توسط اسفندیاری (۱۳۷٤) و بینم (۱۳۷۹) مورداستفاده قرارگرفته است. اسفندیاری پایایی باز آزمایی این پرسشنامه را برای آزاد گذاری ۰/٦۹، استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. میزان پایایی این پرسشنامه به روش باز آزمایی ۰/۸۱ برای آزاد گذاری ۰/۸۵، برای استبدادی ۰/۹۲ و برای اقتدار منطقی پدران گزارش‌شده است.همچنین لازم به ذکر است در این پژوهش به‌منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر یک از متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان از پایایی برای هر یک از ابزار داشت. تجزیه‌وتحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS16 و SmartPLSV.3 در دو بخش توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی) و استنباطی (همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

نتایج پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های و یافته‌های مربوط به مسئله پژوهش ارائه می‌شوند. در جدول زیر، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش نمایش داده‌شده است. لازم به ذکر است، کمینه و بیشینه هر یک از متغیرهای زیر به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد.

جدول۲. **مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش**

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
بریدگی و طرد	۳,۲۲	۰,۷۹	-۰,۰۲	-۰,۱۵
خودگردانی و عملکرد مختل	۳,۲۷	۰,۷۵	-۰,۰٤	-۰,۱۹
دیگرجهت‌مندی	۳,۲٤	۰,۷٦	۰,۰۵	۰,۰۷
گوش به زندگی بیش‌ازحد	۳,۱۹	۰,۷۷	-۰,۰۳	۰,۳۵
محدودیت‌های مختل	۳,٦٦	۰,۸۳	-۰,۳٦	-۰,۱۱
آزاد گذاری مطلق	۳,۱٤	۰,۸۱	۰,۱۸	-۰,۳۷
استبدادی	۳,۱۵	۰,٦۹	-۰,۰۸	۰,۳۲
اقتدار منطقی	۳,۱۷	۰,۷٤	-۰,۱٦	۰,٤۲

اطلاعات جدول فوق مشخصه‌های آماری همچون میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را برای متغیرهای پژوهش

[1] Baumrind
[2] Buri

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

نشان می‌دهد. همچنین، با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه‌ی معقول (۲-و ۲) قرار دارند، می‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت.

بنابراین جهت بررسی پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر اساس سبک فرزندپروری ادراک‌شده در زنان دارای مشکلات خانوادگی از با توجه به اینکه مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای بود و همچنین توزیع داده‌ها نرمال بود از آزمون‌های پارامتریک مناسب ازجمله آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر آورده شده است.

جدول۳. همبستگی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر اساس سبک فرزندپروری ادراک‌شده در زنان دارای مشکلات خانوادگی

ردیف	مولفه		بریدگی و طرد	خودگردانی	دیگرجهت مندی	گوش به زندگی	محدودیت
۱	آزادگذاری مطلق	همبستگی	۰,۸۵۳**	۰,۷۴۹**	-۰,۷۱۵**	-۰,۶۷۱**	۰,۶۲۹**
		Si g.	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
۲	استبدادی	همبستگی	۰,۸۹۴**	۰,۷۷۲**	۰,۷۲۹**	۰,۶۹۴**	۰,۶۴۸**
		Si g.	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰		
۳	اقتدار منطقی	همبستگی	-۰,۸۰۴**	-۰,۷۳۱**	-۰,۷۰۱**	-۰,۶۵۸**	-۰,۶۰۱**
		Si g.	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

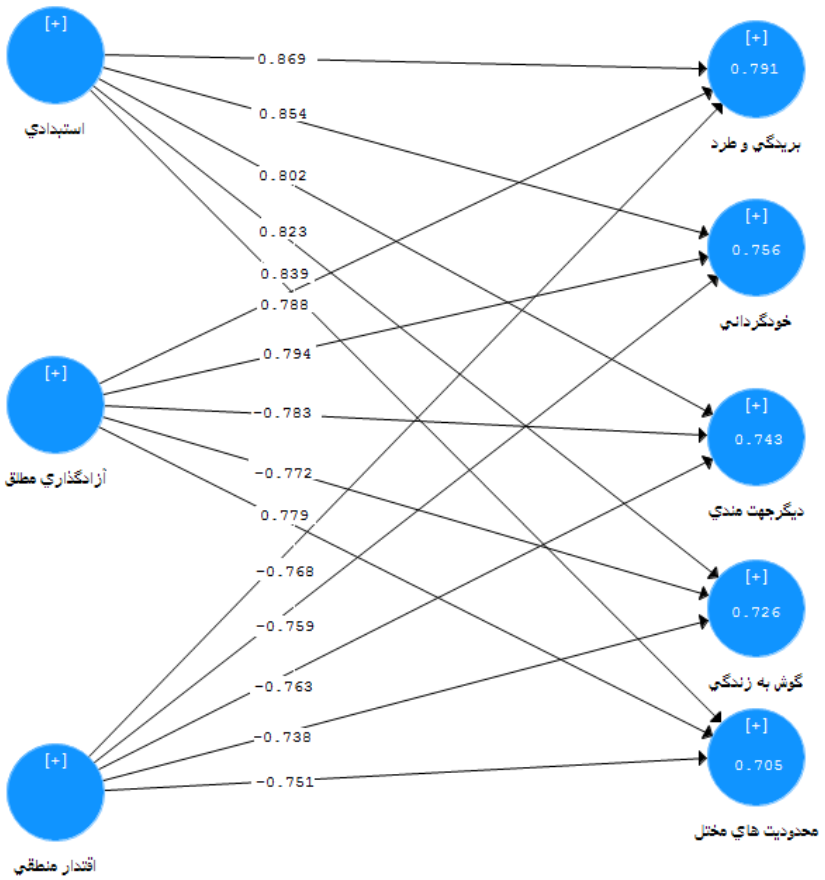
همان‌طور که از جدول فوق مشخص است، علامت ** نشان‌دهنده‌ی وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰,۰۱ را نشان می‌دهد. یعنی، بین متغیرها رابطه مستقیم وجود دارد. شدت رابطه نیز از جدول فوق قابل‌مشاهده است.

مدل‌سازی معادلات ساختاری بر پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مبتنی بر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده

در شکل زیر بارهای عاملی برای پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مبتنی بر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده آورده شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

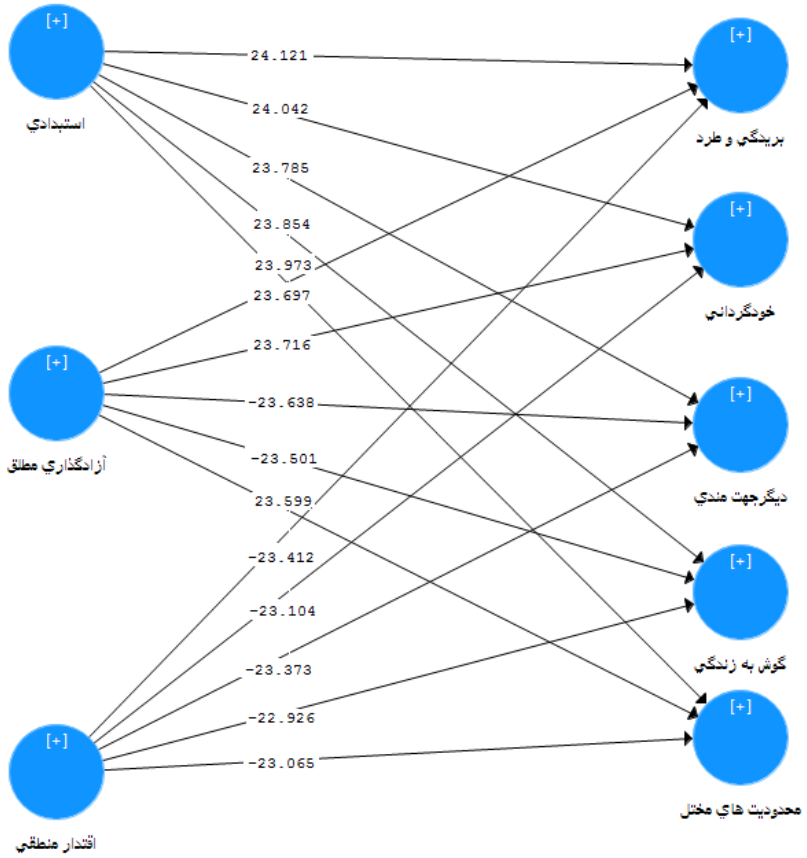


شکل ۱-اعتبار کمی الگوی پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مبتنی بر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در حالت بار عاملی

همان‌طور که در شکل فوق ملاحظه می‌شود بار عاملی برای تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بالاتر از ۰,٤ است که بیانگر قابل‌قبول بودن تبیین شاخص‌ها برای هر یک از مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها برای هر یک از ابعاد است. در شکل زیر هم ضرایب معناداری تی مدل آورده شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰



شکل ۲-اعتبار کمی الگوی پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مبتنی بر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در حالت معناداری ضرایب

همان‌طور که در شکل فوق قابل‌مشاهده است ضریب معناداری تی برای هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها بالاتر از ۲,۵۸ شده است و لذا با ۹۹ درصد اطمینان همه شاخص‌های برای هر یک از مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها برای هر یک از ابعاد تأیید می‌شود و هیچ شاخص و مؤلفه‌ای نیاز به حذف شدن ندارد.

در جدول زیر، ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همه مسیرها موردپذیرش قرارگرفته شده است.

جدول ٤-۱۷- ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آن‌ها

سبک‌های فرزندپروری		ضریب مسیر	مقدار تی	وضعیت
استبدادی	بریدگی و طرد	۰,۸٦۹	۲٤,۱۲۱	تأیید شد
	خودگردانی	۰,۸٥٤	۲٤,۰٤۲	تأیید شد
	دیگر جهت مندی	۰,۸۰۲	۲۳,۷۸٥	تأیید شد
	گوش به زندگی	۰,۸۲۳	۲۳,۸٥٤	تأیید شد
	محدودیت	۰,۸۳۹	۲۳,۹۷۳	تأیید شد
آزاد گذاری	بریدگی و طرد	۰,۷۸۸	۲۳,٦۹۷	تأیید شد
	خودگردانی	۰,۷۹٤	۲۳,۷۱٦	تأیید شد
	دیگر جهت مندی	-۰,۷۸۳	-۲۳,٦۳۸	تأیید شد
	گوش به زندگی	-۰,۷۷۲	-۲۳,٥۰۱	تأیید شد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

	محدودیت	۰,۷۷۹	۲۳,۵۹۹	تأیید شد
اقتدار منطقی	بریدگی و طرد	-۰,۷۶۸	-۲۳,٤۱۲	تأیید شد
	خودگردانی	-۰,۷۵۹	-۲۳,۱۰٤	تأیید شد
	دیگر جهت مندی	-۰,۷٦۳	-۲۳,۳۷۳	تأیید شد
	گوش به زندگی	-۰,۷۵۱	-۲۲,۹۲٦	تأیید شد
	محدودیت		-۲۳,۰٦۵	تأیید شد

- **ارزیابی برازش الگوی پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مبتنی بر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده**

هدف از ارزیابی برازش کل الگو این است که مشخص شود تا چه حد کل الگو با داده‌های تجربی مورداستفاده سازگاری و توافق دارد. مدل یابی معادلات ساختاری، ترکیبی از تحلیل تأییدی و رگرسیون چند متغیره می‌باشد. در این روش، آزمون کلی مدل شامل آزمون مدل اندازه‌گیری (برر سی پایایی و روایی) و آزمون مدل ساختاری (ضریب مسیر و واریانس تبیین شده) می‌باشد.

- **ضریب تعیین R^2**

این ضریب مشخص می‌کند که چه میزان از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. با توجه به اینکه رابطه معنادار بین بریدگی و طرد، خودگردانی، دیگر جهت مندی، گوش به زندگی و محدودیت **مبتنی بر** سبک‌های استبدادی، آزاد گذاری و اقتدار منطقی وجود دارد و به ترتیب ۰,۷۹۱، ۰,۷۴۳،۰,۷۵٦، ۰,۷۲٦ و ۰,۷۰۵ است که ضریب تعیین در حد مناسب و مطلوب است.

- **شاخص اشتراک**[1]

این معیار نشان می‌دهد که چه مقدار از تغییرپذیری شاخص‌ها (سؤالات) توسط سازه مرتبط با خود تبیین می‌شود و از میانگین شاخص اشتراک برای تعیین روایی همگرا استفاده می‌شود که مقدار این شاخص ۰,۵۵۲ است.

معیار نیکویی برازش[2]

مقدار این شاخص، با استفاده از میانگین هندسی R^2 و متوسط شاخص اشتراک برای کل مدل مقدار ۰,٦٤۰ محاسبه می‌شود.

$$Gof = \sqrt{\overline{communalities} \times \overline{R^2}} = \sqrt{0.552 * 0.744} = 0.640$$

ازآنجایی‌که مقادیر محا سبه شده GOF برای الگوی ا صلی پژوهش بزرگ‌تر از ۰,۳٦ به‌د ست‌آمده، نشان‌دهنده برازش منا سب الگو است.

- **ارتباط پیش‌بین Q^2**

این معیار، قدرت پیش‌بینی الگو در متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. ملاک تفسیر Q^2، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵و ۰/۳۵ عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی می‌باشد. اگر این شاخص مثبت باشد مطلوب است. لازم به ذکر در این پژوهش مقدار Q^2 بریدگی و طرد، خودگردانی، دیگر جهت مندی، گوش به زندگی و محدودیت به ترتیب ۰,۲۰۳، ۰,۲۰۸،۰,۲۲۹، ۰,۲۱۱و ۰,۲۱۳ است که در سطح مطلوب قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده (بالأخص سبک فرزندپروری مستبدانه)، پیش‌بینی‌کننده‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (بالأخص حوزه‌ی بریدگی و طرد) در زنان با مشکلات خانوادگی می‌باشد. این

[1] Communality
[2] Goodness of Fit

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌هایی همچون باچ و همکاران، ۲۰۱۸؛ اتکینس، ۲۰۱۷؛ چهارراهی و همکاران، ۱۴۰۰؛ شیدعنبرانی و همکاران، ۱۳۹۸ در راستای تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه همسوست.

در تبیین یافته‌ی حاصل از پژوهش می‌توان گفت یانگ و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که ریشه‌ی تحولی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی است که باعث می‌شود نیازهای هیجانی فرد ارضا نشود. با توجه به آنکه به‌طورمعمول خانواده به‌عنوان اولین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و حضور فرد سال‌های زیادی در آن تداوم دارد، اولین، قدرتمندترین و پایدارترین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند، از محیط خانواده می‌باشد و حتی اثرپذیری فرد از سایر محیط‌ها می‌تواند تحت تأثیر فضای حاکم بر روابط او با والدین خود در خانواده باشد. درنتیجه والدین و یا مراقبت‌کننده‌های اولیه و نگرش‌ها، رفتارها، نحوه ارتباط و پاسخگویی نقش عمده‌ای در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی، دیدگاه فرد نسبت به خودش، آسیب‌پذیری‌های شناختی و به‌طور ویژه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه‌ی او دارند (شیدعنبرانی و همکاران، ۱۳۹۸). از بین سبک‌های فرزندپروری سبک فرزندپروری استبدادی نقش بیشتری را در پیش‌بینی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دارد (۵ حوزه‌ی طرح‌واره‌ها مخصوصاً حوزه طرد و بریدگی). از دیدگاه بامریند (۱۹۹۱) والدین مستبد، انتظارات زیادی از فرزندانشان دارند و انعطاف‌پذیری کمی نسبت به این انتظارات و قوانین از خود نشان می‌دهند. در صورت اطاعت نکردن فرزندان، آن‌ها را طرد و یا تنبیه می‌کنند. این والدین فرزندان خود را تحقیر نموده و حس سرخوردگی، گوشه‌گیری، اضطراب و کمبود توجه در فرزندان آن‌ها شایع است (استینبرگ و دارلینگ، ۲۰۱۷). همچنین این سبک به دلیل تحمیل نظرات و انتظارات والدین بر فرزندان، باعث شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی مانند محرومیت هیجانی (انتظار دریافت حمایت هیجانی کافی از دیگران) و بی‌اعتمادی/بدرفتاری (باور به اینکه دیگران آسیب خواهند رساند) می‌شود. همچنین طرح‌واره‌های شرم/ناشایستگی (احساس حقارت و ناشایستگی در برابر دیگران) و گوش‌به‌زنگی/بازداری هیجانی (سرکوب احساسات و رفتارهای خود) نیز در این سبک تقویت می‌شوند. طرح‌واره جدایی/بی‌ثباتی (باور به اینکه روابط مهم در زندگی ناپایدار هستند) نیز در این سبک افزایش می‌یابد (برویسترز و پیلکینگتون[1]، ۲۰۲۳). نتایج پژوهشی نشان می‌دهد که فرزندپروری کنترل‌گرایانه با طرح‌واره‌های اطاعت، گرفتاری/ خویشتن تحول‌نیافته، محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی و بدبینی ارتباط دارد و محرومیت هیجانی، نقص، اطاعت، ایثار و بی‌اعتمادی را به‌صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند. با توجه به اینکه والدین در شیوهٔ فرزندپروری با بُعد غالب کنترل، دخالت، رهبری و کنترل (از طریق ایجاد احساس گناه و تقصیر) را نسبت به شکل‌گیری خودمختاری در فرزندان ترجیح می‌دهند، این نیازها (ازجمله نیاز به خودمختاری) را نادیده گرفته و درنتیجه، منجر به شکل‌گیری بیشتر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در فرزندان می‌شوند (ساریجاروی[2] و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که افراد دارای طرحوارهٔ اطاعت و ایثار در دوران کودکی، بیش‌ازحد تحت کنترل والدین خود بوده و آزاد نبوده‌اند تا از تمایلات طبیعی خود پیروی کنند و در بزرگ‌سالی، به‌جای اینکه از درون جهت‌دهی شوند، از محیط بیرونی تأثیر می‌پذیرند و از خواسته‌های دیگران تبعیت می‌کنند. این کار به‌منظور دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد (باچ و همکاران، ۲۰۱۸). در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، به دلیل عدم تنظیم مناسب انتظارات و مرزهای والدین، باعث شکل‌گیری طرح‌واره‌های وابستگی/بی‌کفایتی (احساس ناتوانی در انجام امور بدون کمک دیگران) و خویشتن‌داری/خود انضباطی ناکافی (نبود انضباط و خودکنترلی کافی) می‌شود. در مقابل، طرح‌واره‌های بی‌اعتمادی/بدرفتاری و شرم/ناشایستگی در این سبک کاهش می‌یابند. سبک مقتدرانه به دلیل برقراری مرزهای مناسب و محبت همراه با مسئولیت‌پذیری، باعث کاهش طرح‌واره‌هایی مانند محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، شرم/ناشایستگی و گوش‌به‌زنگی/بازداری هیجانی می‌شود اما طرح‌واره

[1] Bruysters & Pilkington
[2] Saarijärvi

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

خویشتن‌داری/خود انضباطی ناکافی در این سبک افزایش می‌یابد، که ممکن است به دلیل تأکید بیش‌ازحد بر انضباط و مسئولیت‌پذیری باشد (یونتم و ایلهان[1]، ۲۰۲۰). درمجموع، سبک فرزندپروری مستبدانه با افزایش، و سبک قاطعانه با کاهش اکثر طرح‌واره‌ها همراه است. سبک سهل‌گیر نیز تأثیر متفاوتی بر طرح‌واره‌ها دارد. نتایج پژوهش حاضر نیز کارآمدی سبک فرزندپروری مقتدرانه را تائید کرده و نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه کمترین نقش را در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دارد و فقط با طرح‌واره معیارهای سخت‌گیرانه ارتباط و همبستگی معناداری دارد. والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند به کودکانشان محبت و توجه نشان می‌دهند درعین‌حال محدودیت‌های واقع‌بینانه‌ای را نیز برایشان تعیین می کنند. درمجموع این نتیجه‌گیری را می‌توان کرد که بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی و سبک فرزندپروری ناکارآمد تأثیر بسزایی در تعیین شخصیت افراد در بزرگ‌سالی دارد زیرا این مؤلفه‌ها باعث شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌شوند. بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و سبک فرزندپروری در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه باهم تعامل دارند و می‌توانند اثرات زیان‌بار یکدیگر را افزایش یا کاهش دهند.

هر پژوهش محدودیت‌هایی با خود به همراه دارد و این پژوهش از آن مستثنی نیست، محدودیت‌هایی ازجمله نوع ابزار اندازه‌گیری که محدود به پرسشنامه‌ها شده و از سایر ابزارها استفاده‌نشده است و نمونه‌های شرکت‌کننده در پژوهش که صرفاً تعدادی محدودی از زنان متأهل دارای مشکلات خانوادگی بوده‌اند. با توجه به برجسته بودن نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در پیش‌بینی طرح‌واره‌ها، به نظر می‌رسد برنامه‌هایی از قبیل آموزش فرزندپروری صحیح به والدین از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و تربیتی به‌منظور پیشگیری از ایجاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در آینده‌ی فرزندان تأثیرگذار باشد.

منابع

چهارراهی، متین؛ زربخش، محمدرضا؛ خلعتبری، جواد؛ و تیزدست، طاهر (۱۴۰۰). تدوین مدل ساختاری پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری با میانجی‌گری سبک‌های دل‌بستگی و خلق‌وخو، تازه‌های علوم شناختی، ۲۳(۴)

دولت‌خواه، آیلار .(۱۳۹۹). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و علائم اضطراب و افسردگی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز

رضائیان بیلندی، حسین؛ منیرپور، نادر؛ احمدی، محمدرضا؛ و هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۶). نقش ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی حوزه‌های خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش به زندگی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، زنان و خانواده، ۱۲(۴۰)

شعبانی، زهرا و مویدی، معصومه .(۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، خانواده و پژوهش، ۳۶

شیدعنبرانی، بهناز؛ گل، علیرضا؛ امین‌یزدی، امیر؛ فرهادیان، فاطمه؛ و نامور طباطبائی، سیدسجاد (۱۳۹۸). پیش‌بینی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر مبنای بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و سبک‌های فرزندپروری، رویش روانشناسی، ۸(۱۱)

صابری‌راد ، احمد؛ حیدری، حسن و داوودی، حسین .(۱۳۹۹). اثربخشی برنامه‌ی فرزندپروری بر اساس مدل ساندرز بر تنظیم هیجان مادران و تعامل مادر و کودک با اختلال رفتاری، مطالعات ناتوانی، ۱۰

قاسمی، کبری؛ و الهی، طاهره (۱۳۹۸). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با اضطراب بیماری: نقش واسطه‌ای اجتناب تجربی، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۱۳(۳)

نصیر زاده، بهناز .(۱۴۰۱). رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری باهوش هیجانی در دانش‌آموزان، ایده‌های نوین روانشناسی، ۱۲(۱۶)

Atkins, L. (2017). Childhood Maltreatment and Adult Aggression: The Mediating Role of Maladaptive Schemas. Miami University

[1] Yöntem & İlhan

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

Bach, B., Lockwood, G., & Young, J. E. (2018). Cognitive behavior therapy, 47(4), 328-349

Bruysters, N. Y. F., & Pilkington, P. D. (2023). Overprotective parenting experiences and early maladaptive schemas in adolescence and adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, *30*(1), 10-23.

Darling, N., & Steinberg, L. (2017). Parenting style as context: An integrative model. In Interpersonal development (pp. 161-170). Routledge.

Estévez, A., Ozerinjauregi, N., Herrero-Fernández, D., & Jauregui, P. (2019). The mediator role of early maladaptive schemas between childhood sexual abuse and impulsive symptoms in female survivors of CSA. Journal of interpersonal violence, 34(4), 763-784.

Lei, H., Chiu, M. M., Cui, Y., Zhou, W., & Li, S. (2018). Parenting Style and Aggression: A Meta-Analysis of Mainland Chinese Children and Youth. Children and Youth Services Review, 94, 446-455.

Maftei, A., Holman, A. C., & Cârlig, E. R. (2020). Does your child think you're happy? Exploring the associations between children's happiness and parenting styles. Children and Youth Services Review, 115, 105074.

Saarijärvi, P., Salmivalli, C., Helmi, S., & Karukivi, M. (2024). Early Maladaptive Schemas and Their Associations with Perceived Parental Bonding among Adolescents Entering Specialized Health Care. *International Journal of Cognitive Therapy*, 1-18.

Steinberg, L., & Darling, N. (2017). Parenting style as context: An integrative model Interpersonal Development (pp. 161- 170): Routledge

Thoma, N. C., & McKay, D. (2014). Working with emotion in cognitive-behavioral therapy: Techniques for clinical practice: Guilford Publications

Yang, J., & Zhao, X. (2020). Parenting styles and children's academic performance: Evidence from middle schools in China. Children and Youth Services Review, 113, 105017.

Yöntem, M. K., & İlhan, T. (2020). The predictive role of the parenting styles that cause early maladaptive schemas on divorce indicators. *İnsan ve Toplum*, *10*(3), 145-163.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره۴۳،
دوره سیزدهم،
سال چهارم،
بهار ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۰

Prediction of early maladaptive schemas based on perceived parenting style in women with family problems

Monir Sadat mirhashem[1]

Abstract

The aim of the current research is to Prediction of early maladaptive schemas based on perceived parenting style in women with family problems. The statistical population of this research includes all married women with family problems who referred to psychological clinics in Tehran in 1403. Among these people, 270 people were selected as a sample using available sampling method, after the questionnaires were dropped, the number of the remaining sample was 256 people. The research tools were questionnaires of early maladaptive schemas of Young-Short Form (1998), and Buri's perceived parenting styles (1991), which had acceptable validity and reliability. In order to analyze the data, inferential statistics of Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling were used using SPSS-16 and SmartPLS.V3 software. The results showed that there is a significant relationship between perceived parenting styles and initial maladaptive schemas in women with family problems. The results indicated that there is a relationship between perceived parenting styles and early maladaptive schemas. This means that the perceived parenting styles can predict the initial maladaptive schemas in women with family problems. The results showed that authoritarian parenting style has the most predictive power for early maladaptive schemas, especially in the area of cutting and rejection.

Key words: Perceived Parenting Styles, Early Maladaptive Schemas, Cut and Rejection

[1] Master's Degree in Family Counseling, Counseling Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Responsible Author)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]